

ابعاد و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی روابط روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا در بحران سوریه

حمیدرضا بیات* - دانش‌آموخته دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران و مدرس دانشگاه امام علی^(ع)

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۴

چکیده

در پژوهش حاضر به شناخت مهم‌ترین ابعاد و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر در روابط روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا در بحران سوریه با در نظر گرفتن اهمیت و ارتباط این ابعاد و مؤلفه‌ها با یکدیگر و در قالب یک مدل ساختاری پرداخته شده است. این پژوهش با روش ترکیبی انجام شده است؛ در بخش کیفی آن با استفاده از نظریه داده‌بنیاد الگوی عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر در روابط روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا در بحران سوریه طراحی شده و در بخش کمی با روش مدل‌سازی ساختاری و نرم‌افزار Smart PLS الگوی حاصل در معرض آزمون کمی قرار گرفته است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، ابعاد و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی روابط روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا در بحران سوریه عبارت است از: شرایط نظام ژئوپلیتیک جهانی با مؤلفه‌های اهمیت سوریه در راهبرد ژئوپلیتیکی این قدرت‌ها و رقابت این قدرت‌ها در نظام ژئوپلیتیک جهانی، عوامل ژئواستراتژیکی با مؤلفه‌های اهمیت نظامی سوریه و اهمیت مسیر ارتباطی این کشور، کدهای ژئوپلیتیکی با مؤلفه‌های شرایط داخلی و سیاست خارجی این قدرت‌ها نسبت به بحران سوریه، نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای با مؤلفه‌های روابط قدرت‌های فرامنطقه‌ای با قدرت‌های منطقه‌ای و رقابت قدرت‌های منطقه‌ای، عوامل جغرافیایی با مؤلفه‌های موقعیت جغرافیایی و موقعیت نسبی سوریه، مهاجرتی، سرزمینی و قومیتی، عوامل ایدئولوژیکی با مؤلفه‌های مذهبی و گفتمانی و عوامل ژئواکونومیکی با مؤلفه‌های منابع انرژی و منافع اقتصادی.

با توجه به اهمیت ابعاد و مؤلفه‌های یادشده برای این قدرت‌ها، آن‌ها به جای حل بحران به دنبال مدیریت آن‌اند تا حداکثر بهره را از بحران سوریه در راستای منافع ژئوپلیتیکی خود ببرند؛ به همین سبب، این بحران به یکی از طولانی‌ترین بحران‌های ژئوپلیتیکی دوران معاصر در نظام جهانی تبدیل شده و تلاش‌های دیپلماتیک برای حل آن بی‌نتیجه مانده است.

کلیدواژه‌ها: ابعاد و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی، بحران ژئوپلیتیکی، قدرت‌های فرامنطقه‌ای، مدل‌سازی ساختاری، نظریه داده‌بنیاد.

مقدمه

قدرت‌های بزرگ در مدیریت بحران‌های بین‌المللی پس از جنگ سرد در حال گذار از یک نظم بین‌المللی نامطمئن‌اند و در این راه در رقابتی سخت گرفتارند (واعظی، ۱۳۸۹: ۳۸). فعالیت قدرت‌های بزرگ در بحران‌های کشورهای دیگر همواره در مرحله گسترش بحران و مرحله‌ای است که بحران به صورت تمام‌عیار درآمده است (برچر، ۱۳۸۲: ۲۳۹). بحران سوریه، که در سال ۲۰۱۱ و در اثر اختلافات میان حکومت اسد و مخالفان داخلی‌اش شروع شد، پیامدهایش تأثیر زیادی در شرایط نظام ژئوپلیتیک جهانی داشته است؛ به همین سبب، قدرت‌های فرامنطقه‌ای با توجه به اهداف و منافع خویش به دخالت در بحران پرداختند و دیری نپایید که بحران سوریه، علاوه بر یک بحران داخلی، به عرصه رقابت قدرت‌های بزرگ نیز تبدیل شد.

تمایل قدرت‌های بزرگ برای مداخله در مناقشات منطقه‌ای مشروط و موقوف به این است که آن‌ها تا چه میزان تحت تأثیر عوامل خارجی امنیتی، که از آن منطقه ناشی می‌شود، قرار می‌گیرند (لیک و مورگان، ۱۳۸۱: ۹۹). هر چه قدرت بزرگ در یک بحران فعال‌تر باشد احتمال زیادتری وجود که آن قدرت یک تهدید معطوف به ارزش اساسی‌تری را ادراک کند و این امر به خاطر خسارت بالقوه‌ای است که می‌تواند به وسیله رقیب یا دشمن وارد آید. همچنین، هر چه تعداد موضوعات مورد اختلاف در یک بحران زیادتر باشد تهدید ادراک شده معطوف به ارزش‌ها نزد همه متخاصمان حادث خواهد بود. همچنین، قدرت‌های بزرگ تعهداتی در مقابل متحدین و تحت‌الحمایگان خود دارند که آن‌ها را برای حمایت به شکل کمک نظامی و در صورت لزوم دخالت مستقیم فرامی‌خواند و چنین انتظاری وجود دارد (برچر، ۱۹۹۳). در سطح فرامنطقه‌ای هر یک از قدرت‌های روسیه، آمریکا، و اتحادیه اروپا، به‌عنوان قدرت‌های جهانی اصلی دخیل در بحران سوریه، با توجه به ادراک این موضوع که ارزش‌های اساسی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی مد نظر خودشان در این بحران مورد تهدید واقع شده، در این بحران به ایفای نقش و حمایت از جناح متحد خود در داخل سوریه و همکاری با متحدین منطقه‌ای خود پرداخته‌اند و این ایفای نقش بعضاً به صورت مداخله مستقیم نظامی در بحران نیز بوده است. روسیه شروع به حمایت همه‌جانبه از حکومت اسد کرده است و آمریکا و اتحادیه اروپا نیز به حمایت از گروه‌هایی از مخالفان حکومت اسد پرداخته‌اند که این امر به شکل‌گیری الگوی روابط ژئوپلیتیکی پیچیده‌ای در روابط روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا در بحران سوریه منجر شده است.

به‌منظور شناخت ریشه‌های یک بحران ژئوپلیتیکی و منازعه از منظر دخالت قدرت‌های خارجی، باید به تبیین الگوی^۱ روابط ژئوپلیتیکی میان این قدرت‌ها در آن بحران و منازعه پرداخت؛ این الگو به شکل، اندازه، و خصوصیات جغرافیایی، فیزیکی، و انسانی واحدهای ژئوپلیتیکی و نیز شبکه‌هایی اشاره دارد که آن‌ها را به یکدیگر پیوند می‌دهد و از دیگر واحدها متمایز می‌کند (کوهن، ۱۳۸۷: ۷۷). هدف از پژوهش حاضر شناخت ابعاد و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر در الگوی روابط ژئوپلیتیکی روسیه به‌عنوان حامی حکومت اسد با آمریکا و اتحادیه اروپا به‌عنوان حامیان گروه‌هایی از مخالفان حکومت اسد در بحران سوریه است؛ به همین منظور، نگارنده در پژوهش حاضر قصد دارد به این سؤال پاسخ دهد که مهم‌ترین ابعاد و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر در الگوی روابط روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا به‌عنوان قدرت‌های فرامنطقه‌ای حاضر در بحران سوریه، با در نظر گرفتن اهمیت و ارتباط این ابعاد و مؤلفه‌ها با یکدیگر کدام‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

روش اجرای پژوهش حاضر از نظر ماهیت از نوع روش ترکیبی (کیفی- کمی) و از نظر هدف اکتشافی^۱ است و از مدل تدوین الگو و گونه‌شناسی^۲ استفاده شده است. همچنین، با توجه به اینکه مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر در پژوهش واقعیت‌های بیرونی و عینی و دارای معانی ذهنی مختلفی نیز می‌باشند، پارادایم پژوهش پراگماتیسم است. بخش کیفی پژوهش با استفاده از نظریه داده‌بنیاد^۳ بر اساس طرح ظهوریابنده^۴ استراوس و کوربین انجام شده است (استراوس و کوربین، ۱۹۹۰). نظریه داده‌بنیاد یا گراند تئوری روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها، قضایا، و الگوها را به جای استنتاج از پیش‌فرض‌های قبلی یا چارچوب‌های نظری موجود به طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند. زمانی که گردآوری و تحلیل داده‌ها متوقف شد، نظریه حاصل درک عمیقی در ارتباط با موجودیت‌های مورد مطالعه فراهم می‌کند. روش داده‌بنیاد یا گراند تئوری بر تحقیق کیفی، اکتشاف، استقراء، و ساخت تئوری تأکید دارد. به‌طور خلاصه، گراند تئوری یا نظریه داده‌بنیاد عبارت است از فرایند ساخت یک الگو یا نظریه مستند و مدون از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده و تحلیل استقرایی مجموعه داده گردآوری شده به‌منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن‌اند. واژه گراند تئوری بیانگر آن است که هر تئوری که بر اساس این روش تدوین می‌شود بر زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی بنیاد نهاده شده است (گلنیزر و استراوس، ۱۹۶۷؛ گلنیزر، ۲۰۰۳). روش داده‌بنیاد دارای سه رهیافت نظام‌مند، ظاهرشونده، یا ساخت‌گرایانه است (دانایی‌فر و امامی، ۱۳۸۶: ۷۶). بخش کیفی پژوهش حاضر با رهیافت ظاهرشونده انجام می‌شود. اصلی‌ترین موضوعی که این رهیافت بر اساس آن بنیان دارد انتقاد گلنیزر به استراوس و کوربین است که یک نظریه با روش داده‌بنیاد با فشار آوردن بر داده‌ها برای جای گرفتن در قالب خاص ایجاد نمی‌شود و باید تمرکز بر مرتبط کردن مقوله‌ها و زاینده‌شدن نظریه باشد و نه صرف تشریح مقوله‌ها (دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۹۲: ۱۰۳ و ۱۰۴). مراحل اجرای پژوهش داده‌بنیاد در این رهیافت شامل گام‌های تدوین پرسش‌های پژوهش، گردآوری داده‌ها، کدگذاری داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری، و کدگذاری انتخابی (یافتن مفاهیم در داده‌ها)، یادداشت‌برداری (ثبت اندیشه‌ها و تفسیر خود از داده‌ها) و نگارش و تدوین نظریه یا الگو است (گلنیزر، ۱۹۹۲).

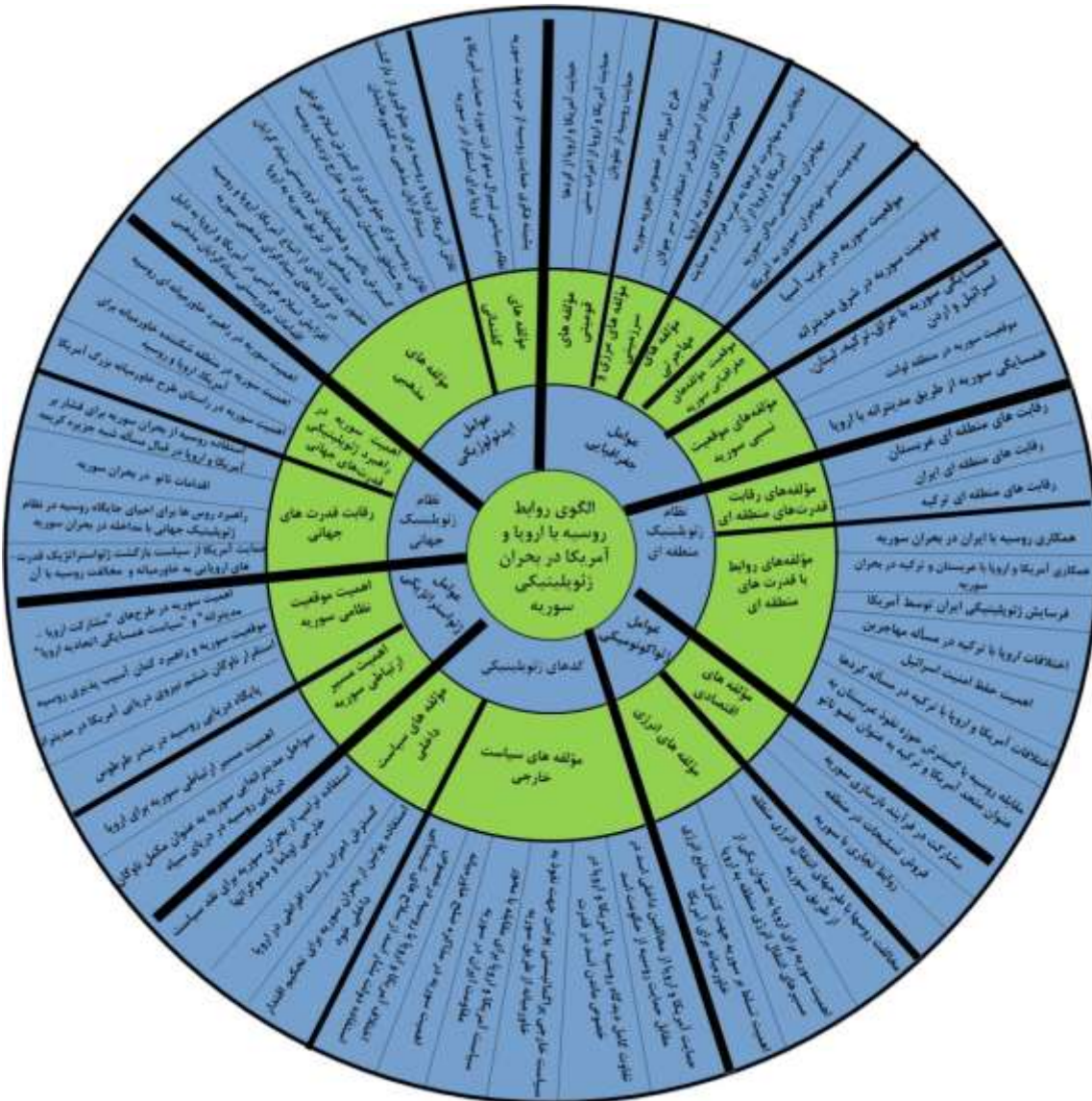
داده‌های پژوهش در بخش کیفی به‌صورت مصاحبه نیمه‌ساختاریافته گردآوری شده است. جامعه آماری در بخش کیفی استادان و خبرگان حوزه ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل گردآوری است و نمونه‌گیری تا زمان اشباع نظری داده‌های مصاحبه ادامه پیدا کرده است (برای این منظور فرم مصاحبه تهیه و با ۱۳ نفر مصاحبه کتبی انجام گرفت). بخش کمی و به‌منظور آزمون مدل کیفی، همچنین مشخص کردن میزان اهمیت ابعاد و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی روابط روسیه با امریکا و اتحادیه اروپا در بحران سوریه و ارتباط آن‌ها با یکدیگر با روش کمی مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد روش حداقل مربعات جزئی انجام شده است. داده‌های پژوهش در بخش کمی با استفاده از ابزار پرسش‌نامه، که به وسیله گویه‌های پژوهش که در مرحله کدگذاری باز مرحله کیفی به‌دست آمده، گردآوری شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر در بخش کمی کارشناسان حوزه ژئوپلیتیک و روابط بین‌الملل‌اند که از روش نمونه‌گیری تصادفی برای انتخاب آن‌ها استفاده شد. همچنین، حجم نمونه در روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد روش حداقل مربعات

1. Exploration
2. Taxonomy
3. Grounded Theory
4. The Emerging Design

جزئی بر اساس تعداد متغیر پنهان مشخص می‌شود که در پژوهش حاضر، با توجه به وجود هفت متغیر پنهان، حداقل حجم نمونه باید ۸۰ نفر باشد (کی وانگ، ۲۰۱۳: ۵).

یافته‌های پژوهش

بر اساس تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه و با استفاده از روش گراند تئوری الگوی کیفی پژوهش به دست آمد (شکل ۱).



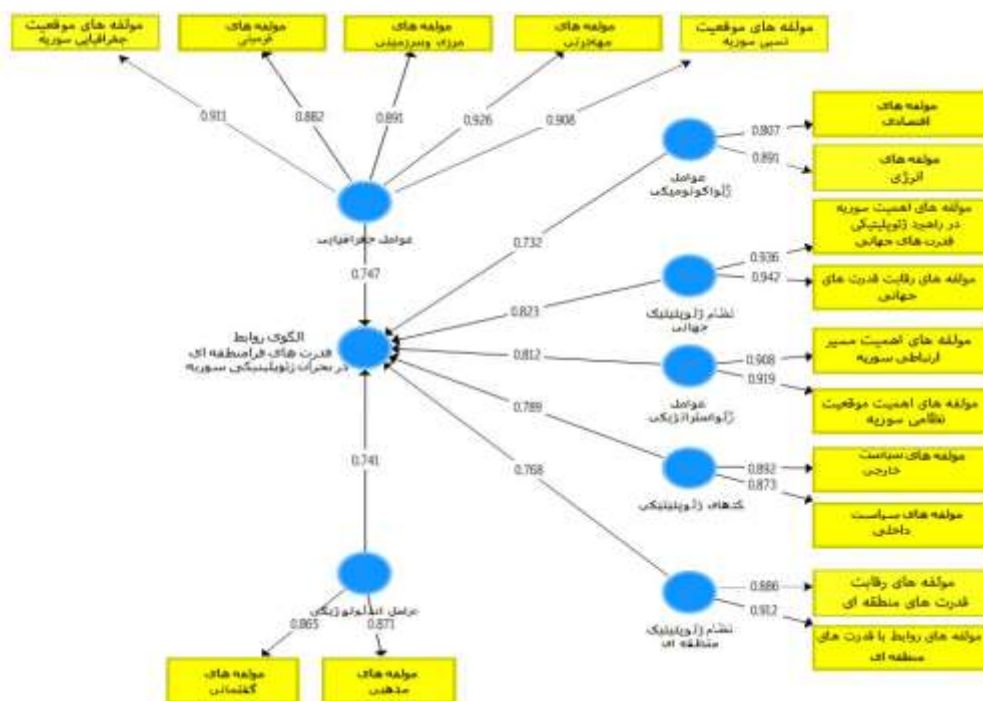
شکل ۱. الگوی کیفی روابط قدرت‌های فرامنطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه

الگوی کیفی به‌دست‌آمده در روش داده‌بنیاد با استفاده از تحلیل عاملی در نرم‌افزار SPSS برای تعیین میزان ارتباط گویه‌ها و مؤلفه‌ها بررسی می‌شود. برای این امر، از آزمون کفایت نمونه کایزر، میر و اوکلین^۱ (KMO) برای مناسب‌بودن گویه‌ها و مؤلفه‌های پژوهش استفاده شد؛ با توجه به اعداد به‌دست‌آمده، همگی بالای ۰/۵ بودند و همبستگی‌های موجود در بین گویه‌ها و مؤلفه‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بود. در گام بعدی، برای برازش مدل اندازه‌گیری از سه معیار پایایی ترکیبی، روایی همگرا، و آلفای کرونباخ استفاده شد که مناسب بود.

جدول ۱. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری و برازش ساختاری

متغیرها	میانگین واریانس استخراج‌شده (AVE)	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ	T-value
عوامل جغرافیایی	۰,۸۷۶	۰,۸۸۴	۰,۹۱۴	۴۵,۸۷۲
عوامل ایدئولوژیکی	۰,۷۸۵	۰,۸۲۶	۰,۸۹۳	۴۳,۷۳۴
عوامل ژئواستراتژیکی	۰,۸۸۳	۰,۸۷۹	۰,۸۹۱	۴۸,۲۶۳
عوامل ژئواکونومیکی	۰,۸۹۳	۰,۷۹۸	۰,۸۱۱	۴۰,۹۶۲
نظام ژئوپلیتیک جهانی	۰,۹۰۲	۰,۸۹۱	۰,۸۹۶	۵۰,۳۲۶
نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای	۰,۸۶۴	۰,۸۶۷	۰,۹۲۲	۴۶,۵۴۳
کدهای ژئوپلیتیک	۰,۹۱۳	۰,۸۵۷	۰,۷۹۸	۴۷,۶۵۲

در ادامه به آزمون مدل کلی پژوهش با استفاده از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد روش حداقل مربعات جزئی و نرم‌افزار Smart PLS 3، با توجه به ضریب مسیر یا بار عاملی که بیانگر شدت رابطه است پرداخته می‌شود (نمودار ۱).



نمودار ۱. مدل آزمون شده الگوی روابط قدرت‌های فرامنطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه

در نمودار ۱ ضرایب مسیر یا بار عاملی که بیانگر شدت رابطه میان دو متغیر است نشان داده شده است. ضرایب مسیر باید بیش از ۰/۵ باشند و هر چه مقادیر ضریب مسیر بیشتر باشد بیانگر آن است که متغیر مستقل تأثیر بیشتری در متغیر وابسته دارد. ضرایب مسیر برای ۱۷ مؤلفه الگوی روابط قدرت‌های فرامنطقه‌ای بالای ۰/۸ است که عدد بسیار خوبی است. ضریب مسیر برای هفت بُعد مدل پژوهش، که مبنای فرضیه پژوهش نیز هستند، همگی بالای ۰/۷ می‌باشند و به ترتیب اهمیت شامل نظام ژئوپلیتیک جهانی، عوامل ژئواستراتژیکی، کدهای ژئوپلیتیک، نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای، عوامل جغرافیایی، عوامل ایدئولوژیکی، و عوامل ژئواکونومیکی‌اند و بیانگر آن است که این ابعاد و مؤلفه‌ها تبیین‌کننده الگوی روابط ژئوپلیتیک رقابتی مداخله‌ای روسیه با آمریکا و اروپا به‌عنوان قدرت‌های فرامنطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیک سوریه‌اند.

بحث و یافته‌ها

در این بخش با توجه به میزان تأثیر ابعاد الگوی آزمون‌شده روابط قدرت‌های فرامنطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیک سوریه، که به ترتیب اهمیت بر مبنای مدل آزمون‌شده پژوهش شامل نظام ژئوپلیتیک جهانی، عوامل ژئواستراتژیکی، کدهای ژئوپلیتیک، نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای، عوامل جغرافیایی، عوامل ایدئولوژیکی، و عوامل ژئواکونومیکی‌اند، در خصوص تأثیرگذاری این عوامل در الگوی روابط ژئوپلیتیک رقابتی مداخله‌ای روسیه با آمریکا و اروپا به‌عنوان قدرت‌های فرامنطقه‌ای حاضر در بحران ژئوپلیتیک سوریه بحثی و تحلیلی ارائه خواهد شد.

نظام ژئوپلیتیک جهانی

الف) مؤلفه‌های اهمیت سوریه در راهبرد ژئوپلیتیک قدرت‌های جهانی

اهمیت سوریه در راهبرد خاورمیانه‌ای روسیه

خاورمیانه از جمله حوزه‌هایی است که در دوران بعد از جنگ سرد به تدریج در منظومه سیاست خارجی روسیه اهمیت زیادی پیدا کرده و در مدار امنیتی این کشور تعریف شده است. همچنین، در میان کشورهای این منطقه سوریه به‌طور سنتی بیشترین مراودات سیاسی و دیپلماتیک را با روسیه داشته است. این روابط بعد از تحولات سوریه از سال ۲۰۱۱ و با آغاز انقلاب‌های عربی وارد مرحله جدیدی شده و نوع نگاه روسیه و سیاست‌های آن در قبال تحولات سوریه و جنگ داخلی این کشور بر ترکیب نیروهای درگیر و موازنه قوای داخلی و بین‌المللی سوریه به‌صورت قابل توجهی اثرگذار بوده است (کولایی و سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۱۶).

اهمیت سوریه در کمربند شکننده خاورمیانه

در نظریه نظام ژئوپلیتیک جهانی کوهن، سوریه در منطقه شکننده خاورمیانه واقع شده است. کوهن مناطق شکننده را مناطقی استراتژیک می‌داند که به لحاظ داخلی عمیقاً دچار اختلاف و دودستگی بوده و در رقابت میان قدرت‌های بزرگ حوزه‌های ژئواستراتژیک گرفتار شده‌اند (کوهن، ۱۳۸۷: ۹۷). این موقعیت سوریه نشان از اهمیت سوریه در رقابت قدرت‌های جهانی دارد که در بحران ژئوپلیتیک این کشور شاهد رقابت روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا می‌باشیم.

اهمیت سوریه در طرح خاورمیانه بزرگ آمریکا

طرح خاورمیانه بزرگ از اواخر سال ۲۰۰۲ و پس از حمله آمریکا به افغانستان و در آستانه حمله به عراق در اوایل سال ۲۰۰۳ و در قالب رویکردی جدید در سیاست خارجی آمریکا در قرن ۲۱ بیان شد. این طرح مدعی بسط و نشر دموکراسی

و آزادی به خاورمیانه و شمال آفریقا (ابوالحسن شیریازی و پارسه، ۱۳۹۳: ۸۹). شعار آمریکا برای ایجاد یک حکومت لیبرال-دموکرات در سوریه را می‌توان در قالب اهداف و منافع آمریکا در طرح خاورمیانه بزرگ ارزیابی کرد.

ب) مؤلفه‌های رقابت قدرت‌های جهانی

حمایت آمریکا از بازگشت ژئواستراتژیک قدرت‌های اروپایی به خاورمیانه

راهبرد ژئواستراتژیکی آمریکا در قرن بیست و یکم «چرخش به آسیا»^۱ است که منظور از آسیا در این سیاست همان منطقه شرق و جنوب آسیاست که دارای اولویت و اهمیت است. این راهبرد موجب کاهش نیروهای نظامی آمریکا در خاورمیانه می‌شود، اما این به معنای آن نیست که از اهمیت منطقه غرب آسیا برای آمریکا کاسته شده است. در این راستا ایالات متحده آمریکا خواهان حضور پُر قدرت‌تر شرکای اروپایی خود در منطقه خصوصاً از لحاظ نظامی است که بحران سوریه این عرصه را برای آن‌ها فراهم آورده که با کاهش نیروهای آمریکایی در منطقه اروپایی‌ها این نقش را به صورت مستقل یا در قالب ناتو برعهده گیرند.

راهبرد روسیه برای احیای جایگاه روسیه در نظام ژئوپلیتیک جهانی

در مقابل، روسیه نیز، به رهبری ولادیمیر پوتین، در جهانی که به سوی امپریالیسم نوین حرکت می‌کند، سهم خود را از ژئوپلیتیک قدرت در جهان می‌خواهد و دعوی قدرت بزرگ بودن خود را نه تنها به مناطق در کنترل پیشین شوروی، بلکه در مناطق دیگر هم مطرح می‌کند. بیشتر ناظران سیاست خارجی کنونی روسیه را ناشی از سیاست رهبری این کشور توسط ولادیمیر پوتین می‌دانند که از ملی‌گرایان عمل‌گرای روسیه و از گروه دولت‌گرایان است (کولایی و عابدی، ۱۳۹۷: ۱۴-۲۰). ورود روسیه به بحران سوریه و رقابت با غرب در این بحران در راستای این راهبرد روسیه ارزیابی می‌شود.

استفاده روسیه از بحران سوریه برای فشار بر آمریکا و اروپا در قبال مسئله شبه‌جزیره کریمه

همچنین، ورود روسیه به منازعه سوریه و اثرگذاری بر آن قدرت مانور مسکو در مورد مسئله اوکراین و اختلاف با غرب را افزایش می‌دهد. روسیه با این سیاست توانست اوکراین و کریمه را به حاشیه مسائل خود با غرب براند (کولایی و سلطانی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۲۶).

اقدامات ناتو در بحران سوریه

برخلاف بحران لیبی که ناتو به صورت عملیات نظامی مستقیم دخالت نمود، در بحران سوریه این سازمان فقط به عمل سیاسی در مقابل با حکومت اسد اکتفا کرده است. از جمله دلایل این سازمان برای عدم دخالت نظامی در بحران سوریه می‌توان به پرهیز این سازمان از تنش با روسیه و ایران به‌عنوان متحدان اسد، مقابله حکومت اسد و متحدانش با بنیادگرایان مذهبی به‌عنوان تهدید امنیتی ناتو و قدرت‌گیری این بنیادگرایان مذهبی در صورت از بین رفتن حکومت اسد اشاره کرد.

عوامل ژئواستراتژیکی

الف) مؤلفه‌های اهمیت نظامی سوریه

اهمیت سوریه در راهبرد کمان آسیب‌پذیری روسیه

سوریه کشوری کوچک با مساحت تقریبی ۱۸۵ هزار کیلومتر مربع در غرب آسیا و شرق مدیترانه و از کشورهای مهم در مناطق امنیتی همجوار روسیه است. امنیت روسیه با مناطق نزدیک به آن گره خورده است که دریای سیاه و حتی مدیترانه بخشی از آن‌اند. برخی پژوهشگران، این مناطق نزدیک به روسیه را که از جبل‌الطارق تا هند و چین را پوشش می‌دهند «کمان آسیب‌پذیری» روسیه نامیده‌اند (کرمی و فاضلی، ۱۳۹۷: ۱۹۸). همچنین، روسیه دارای یک پایگاه مهم دریایی در سوریه است. روسیه و سوریه در ژانویه ۲۰۱۷ قراردادی امضا کردند که به موجب آن قلمرو پایگاه دریایی روسیه در طرطوس گسترش خواهد یافت و مدت آن نیز ۴۹ سال خواهد بود و اگر دو طرف هدف خود را برای پایان‌دادن به آن اعلام نکنند، برای ۲۵ سال بعد نیز تمدید خواهد شد (کرمی و فاضلی، ۱۳۹۷: ۲۱۰).

استقرار ناوگان ششم نیروی دریایی آمریکا در دریای مدیترانه

دریای مدیترانه محل استقرار ناوگان ششم دریایی ایالات متحده آمریکا است که مقر آن در بندر ناپل ایتالیا است. این ناوگان در سال ۱۹۵۰ با مرکزیت ناپل ایتالیا تشکیل شد و مأموریت عمده آن بازدارندگی و کنترل یگان‌های دریایی اتحاد جماهیر شوروی با مرکزیت بندر طرطوس سوریه در زمان شوروی سابق بود که هم‌اکنون نیز به کار خود ادامه می‌دهد. بحران سوریه و افزایش حضور نظامی روس‌ها در دریای مدیترانه برای دخالت نظامی در این بحران به افزایش بار استراتژیک دریای مدیترانه با توجه به حضور ناوگان ششم دریایی ایالات متحده آمریکا منجر شده است.

اهمیت سوریه در طرح‌های «سیاست همسایگی اتحادیه اروپا»^۱ و «مشارکت اروپا-مدیترانه»^۲

پس از پایان جنگ سرد، اروپایی‌ها، با توجه به علائق ژئوپلیتیک خود در سوریه، در قالب طرح‌های «کشورهای عضو سیاست همسایگی اتحادیه اروپا» و «مشارکت اروپا-مدیترانه» به احیای روابط با این کشور اقدام کردند که این طرح‌ها با موفقیت چندانی همراه نبود. بحران ژئوپلیتیک سوریه به احیای ایده راهبرد نفوذ مجدد ژئوپلیتیک اروپایی‌ها به سوریه منجر شد تا در صورت سقوط حکومت اسد بتوانند با یک حکومت همسو با خود و بر اساس منافع ژئوپلیتیک خویش نفوذ خود را در این کشور تثبیت کنند.

ب) مؤلفه‌های اهمیت مسیر ارتباطی سوریه

سواحل مدیترانه‌ای سوریه به‌عنوان مکمل ناوگان دریایی روسیه در دریای سیاه

همان‌طور که گفته شد، سواحل سوریه مشرف بر دریای مدیترانه است و روسیه در آن دارای پایگاه نظامی است. برای فهم بهتر سیاست روسیه در دریای سیاه و مدیترانه، لازم است به این مسئله توجه شود که روسیه به‌طور سنتی دریای سیاه و مدیترانه را یک منطقه محسوب می‌کرده است. اصطلاحی پرکاربرد در ادبیات سیاسی وجود دارد که دریای سیاه و مدیترانه «دروازه اقیانوس جهانی» برای روسیه است (کرمی و فاضلی، ۱۳۹۷: ۱۹۹).

1. ENP: (European Neighborhood Policy)

2. Euro-Mediterranean Partnership

اهمیت مسیر ارتباطی سوریه برای اروپا

مسیر ارتباطی سوریه مؤلفه ژئواستراتژیکی مؤثری در روابط قدرت‌های فرامنطقه‌ای، خصوصاً اتحادیه اروپا، در بحران ژئوپلیتیکی سوریه است. برای اروپاییان نیز سوریه به‌طور سنتی یکی از مسیرهای ورود به غرب آسیا و نزدیک‌ترین راه‌ها برای ارتباط با خلیج فارس و اقیانوس هند است و از سوی دیگر و از نگاه نظامی و امنیتی در زمان حال نیز این منطقه مسیر ورود ناامنی و تروریسم به اروپا شده و از این جهت برای اروپاییان بسیار حائز اهمیت است.

کدهای ژئوپلیتیکی

الف) مؤلفه‌های سیاست داخلی

استفاده پوتین از بحران سوریه برای تحکیم اقتدار داخلی خود

در روسیه با توجه به اینکه بعد از روی کار آمدن پوتین این کشور به سوی یک نظام شبه‌اقتدارگرا حرکت کرده و در این نظام رئیس‌جمهور برای بسیج منابع در شکل‌دهی به سیاست خارجی توانایی بالایی دارد (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۱۸)، پوتین از بحران ژئوپلیتیکی سوریه برای تحکیم اقتدار داخلی خود و رهبری سیاسی‌اش در روسیه حداکثر استفاده را برده است.

استفاده ترامپ از بحران سوریه برای نقد سیاست خارجی اوپاما و دموکرات‌ها

در امریکا دونالد ترامپ طی دوران مبارزات انتخاباتی از منتقدان سرسخت سیاست‌های باراک اوپاما محسوب می‌شد و وعده می‌داد که خط بطلانی بر میراث هشت‌ساله اوپاما خواهد کشید. با این منظور ترامپ از بحران ژئوپلیتیکی سوریه به‌منظور نقد سیاست خارجی اوپاما و دموکرات‌ها حداکثر استفاده را در راستای پیروزی در انتخابات و بعد از آن توجیه عملکرد سیاست خارجی خود در خاورمیانه برده است.

گسترش احزاب راست افراطی در اروپا

یکی از عوامل موج جدید ظهور احزاب راست افراطی در اروپا واکنش به پدیده مهاجرت گسترده به کشورهای اروپایی بوده است. با توجه به نارضایتی عمومی در بین مردم کشورهای اروپا نسبت به مهاجران، احزاب راست‌گرای افراطی تلاش می‌کنند از این موضوع به سود خود بهره ببرند (مجیدی و حاتم‌زاده، ۱۳۹۵: ۴۴۸). پس از شروع بحران سوریه و بر اساس داده‌های سازمان ملل از آوریل ۲۰۱۱ تا دسامبر ۲۰۱۷ بیش از یک میلیون آواره سوری به اروپا مهاجرت کرده‌اند (لوسیقای، ۲۰۱۸) و این تعداد مهاجر سوری زمینه را برای گسترش این احزاب در اروپا فراهم آورده است.

حمایت روسیه از حکومت اسد در مقابل حمایت امریکا و اتحادیه اروپا از مخالفان اسد

در شروع بحران، بسیاری از دولت‌های غربی همچون امریکا و اتحادیه اروپا و متحدان عربی‌شان بر آن بودند که حکومت اسد در مدت زمان کوتاهی فروخواهد ریخت. برای رسیدن به این هدف با حمایت از گروه‌های مخالف حکومت اسد، این دولت‌ها خواستار کناره‌گیری اسد از قدرت شدند. اما مقاومت حکومت اسد در برابر مخالفان با کمک متحدانی چون ایران و سپس حمایت گسترده روسیه، اسد توانست از سقوط نجات یابد (ساجدی، ۱۳۹۶: ۸۶).

اختلاف امریکا و اتحادیه اروپا با روسیه در خصوص استفاده دولت اسد از سلاح شیمیایی

اختلاف در سیاست خارجی روسیه با امریکا و اروپا در قبال بحران سوریه در زمینه‌های زیادی در این بحران مصداق داشته است؛ با تشدید فضای مداخله امریکا در سوریه پس از حملات شیمیایی، روسیه حمله احتمالی امریکا به سوریه را

غیرموجه دانسته و همواره بیان کرده که دولت امریکا هیچ سندی مبنی بر استفاده مواد شیمیایی دولت سوریه علیه غیر نظامیان این کشور ارائه نکرده است (هدایتی و ولادیمیروویچ، ۱۳۹۴: ۷۵).

سیاست خارجی پراگماتیستی پوتین برای نفوذ به خاورمیانه از طریق سوریه

قریب به اتفاق ناظران، سیاست خارجی کنونی روسیه را ناشی از سیاست رهبری این کشور توسط ولادیمیر پوتین می‌دانند که از سال ۲۰۰۰ در رأس قدرت قرار گرفته است. پوتین از ملی‌گرایان عمل‌گرای روسیه و از گروه دولت‌گرایان است. این گروه خواستار دخالت مقتدرانه در قلمرو پیشین شوروی‌اند (کولایی و عابدی، ۱۳۹۷: ۱۶). از جمله کشورهای تحت نفوذ شوروی در زمان جنگ سرد سوریه بوده است و بحران این کشور مجدداً فضای دخالت روس‌ها را در این کشور فراهم کرده است.

سیاست خارجی امریکا و اتحادیه اروپا برای مقابله با محور مقاومت ایران در سوریه

سیاست خارجی امریکا و اروپا در قبال بحران سوریه برای مقابله با محور مقاومت ایران در سوریه است. سوریه تا کنون به‌مثابه پل میان ایران و نیروهای حزب‌الله لبنان بوده است. هرگونه تغییر در این وضعیت نتایج مطلوبی برای اسرائیل به همراه خواهد داشت (هدایتی و ولادیمیروویچ، ۱۳۹۴: ۶۹). واشنگتن ایران را محور مقاومت در منطقه می‌داند و بر این باور است که با سرنگون کردن بشار اشد می‌تواند یکی از پایگاه‌های اصلی نفوذ ایران در معادلات منطقه‌ای را از میان ببرد و از این راه به منافع امنیتی مهمی چون تضمین بقای رژیم اسرائیل، مبارزه با اسلام سیاسی، و تروریسم دست یابد (نیاکویی و بهمش، ۱۳۹۱: ۱۰۷).

اهمیت سوریه در مذاکرات صلح خاورمیانه

سوریه دارای اهمیت زیادی در مذاکرات صلح خاورمیانه و مورد حمایت امریکا و اروپاست. از جمله اهداف امریکا در بحران سوریه پیشبرد فرایند صلح خاورمیانه است. روی کار آمدن یک حکومت طرفدار غرب می‌تواند به پیشبرد مذاکرات صلح مورد حمایت امریکا و اروپا کمک شایانی نماید.

نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای

الف) مؤلفه‌های روابط قدرت‌های جهانی با قدرت‌های منطقه‌ای در بحران سوریه

همکاری روسیه با ایران و مقابله با گسترش حوزه نفوذ عربستان به‌عنوان متحد امریکا و ترکیه به‌عنوان عضو ناتو در منطقه

روسیه در راستای منافع خویش در بحران سوریه از یک سو به همکاری و گسترش روابط با ایران به‌عنوان قدرت منطقه‌ای حامی اسد پرداخته است و از سوی دیگر به مقابله با گسترش حوزه نفوذ عربستان به‌عنوان یک نظام بنیادگرای مذهبی و متحد امریکا و ترکیه به‌عنوان عضو ناتو پرداخته است.

همکاری امریکا و اروپا با عربستان، ترکیه، و اسرائیل در بحران سوریه

در بحران سوریه برخی بازیگران منطقه‌ای به‌عنوان کارگزار عملیاتی و اجرایی امریکا نقش ایفا می‌کنند. به این ترتیب، بسیاری از خشونت‌های منطقه‌ای توسط کارگزاران نیابتی امریکا به انجام می‌رسد. عربستان، ترکیه، و اسرائیل از جمله این کارگزاران‌اند (هدایتی و ولادیمیروویچ، ۱۳۹۴: ۷۲).

فرسایش ژئوپلیتیکی ایران توسط آمریکا

با توجه به وعده‌های ترامپ برای خروج نیروهای امریکایی از سوریه به منظور جلوگیری از تلفات جانی و کاهش هزینه‌های نظامی آمریکا، این کشور از طولانی‌شدن بحران سوریه برای فرسایش ژئوپلیتیکی ایران و گروه‌های شبه‌نظامی متحد این کشور حداکثر بهره را خواهد برد.

اهمیت حفظ امنیت اسرائیل در بحران سوریه

از آنجا که اتحاد استراتژیک ایران با سوریه به افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران و به‌خصوص تأثیرگذاری ایران بر مسائل شرق مدیترانه از جمله مسئله فلسطین و اسرائیل در پیوند با حماس و همچنین حزب الله منجر شده است، منافع استراتژیک منطقه‌ای آمریکا ایجاب می‌کند این اتحاد استراتژیک به وسیله تغییر رژیم در سوریه دچار فروپاشی شود و در نتیجه موازنه قدرت در منطقه به ضرر اتحاد جمهوری اسلامی ایران و حزب الله تغییر کند (نیاکویی و ستوده، ۱۳۹۵: ۱۴۱).

اختلافات اروپا با ترکیه در خصوص مسئله مهاجران

از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر در روابط اتحادیه اروپا با ترکیه در بحران سوریه حل مسئله مهاجران سوری است. با توجه به نزدیکی جغرافیایی اروپا به سوریه و مشکلات گسترده مهاجرت آوارگان سوری به کشورهای اتحادیه اروپا از طریق ترکیه، این کشور همواره از مسئله مهاجران سوری به‌عنوان اهرم فشاری برای امتیازگیری در مسائل دیگر در روابطش با اتحادیه اروپا استفاده کرده است.

اختلافات آمریکا و اتحادیه اروپا با ترکیه در خصوص مسئله کردها

در روابط آمریکا و اتحادیه اروپا با ترکیه، به‌عنوان قدرت منطقه‌ای حاضر در بحران سوریه، به‌رغم همسویی در مقابله با حکومت اسد، مسئله کردها همواره به‌عنوان عامل چالش‌زا مطرح بوده است. ایالات متحده آمریکا و اروپا خواهان شکل‌گیری اقلیم خودمختار کردستان سوریه‌اند که ترکیه این عمل را خط قرمز امنیت ملی خود می‌داند.

ب) مؤلفه‌های رقابت قدرت‌های منطقه‌ای

نظام ژئوپلیتیک منطقه‌ای که به‌عنوان عاملی مؤثر در الگوی روابط روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا در بحران سوریه شناخته می‌شود تا حد زیادی متأثر از رقابت قدرت‌های منطقه‌ای با یکدیگر است. وجود چند قدرت در جنوب غرب آسیا که هر کدام نیز داعیه رهبری منطقه‌ای دارند سبب ناامنی و رقابتی پایدار شده است. از یک طرف، ایران مراکز جغرافیایی شیعه را حمایت می‌کند. از طرف دیگر، عربستان داعیه رهبری جغرافیای اهل سنت را دارد. ترکیه نیز در راستای جغرافیای تاریخی خود در دوران کنونی به دنبال احیای قدرت نوینی به پهنای جغرافیای قدیم خود است. این سه کشور هم‌اکنون در حال رقابت بر سر کسب برتری منطقه‌ای‌اند که نگاه آنان بر پایه عوامل ژئوپلیتیکی قدرت، رقابت، نفوذ، و کنترل شکل گرفته است (حیدری موصول، ۱۳۹۶: ۷).

عوامل جغرافیایی

الف) مؤلفه‌های موقعیت جغرافیایی

موقعیت جغرافیایی سوریه برای روسیه، آمریکا، و اتحادیه اروپا بسیار حائز اهمیت است و در الگوی روابط این قدرت‌ها در بحران ژئوپلیتیکی این کشور تأثیر فراوانی دارد؛ به نحوی که این متغیر شرط لازم دیگر عناصر الگوی پژوهش حاضر

است. جمهوری عربی سوریه با مساحتی حدود ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع در منطقه جنوب غرب آسیا و ساحل شرقی دریای مدیترانه واقع شده است و از طریق این دریا با اروپا ارتباط پیدا می‌کند.

ب) مؤلفه‌های موقعیت نسبی سوریه

سوریه، به‌عنوان قلب منطقه لوانت^۱، دارای ۸۴۵ کیلومتر مرز با ترکیه از شمال، ۵۹۶ کیلومتر مرز با عراق از شرق و جنوب شرقی، ۳۵۶ کیلومتر مرز با اردن از جنوب و جنوب غربی، ۳۵۹ کیلومتر مرز با لبنان از غرب و جنوب غربی، ۷۴ کیلومتر مرز با اسرائیل از جنوب غرب، و ۱۸۳ کیلومتر ساحل در شرق دریای مدیترانه است. کشور سوریه به تعبیری در چهارراه خطرناک ژئوپلیتیکی قرار گرفته و با اردن، اسرائیل، لبنان، ترکیه، و عراق هم‌مرز است و در تقاطع آبراه بزرگ و خط لوله منطقه است و همکاری‌های گسترده نظامی با کشور روسیه دارد و روسیه در بندر طرطوس سوریه و کنار دریای مدیترانه پایگاه پیشرفته نظامی ایجاد کرده که به منزله سنگر مهم خاورمیانه‌ای آن کشور است (خانلوکی، ۱۳۹۱: ۵۰).

ج) مؤلفه‌های مهاجرتی

مهاجرت آوارگان سوری به اروپا

همان‌طور که بیان شد، پس از شروع بحران سوریه و بر اساس داده‌های سازمان ملل از آوریل ۲۰۱۱ تا دسامبر ۲۰۱۷ بیش از یک میلیون آواره سوری به اروپا مهاجرت کرده‌اند (لوسیفا، ۲۰۱۸). از جمله مشکلات مهاجرت گسترده سوری‌ها به کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌توان به کاهش همگرایی میان اعضای این اتحادیه اروپا در اثر قدرتیابی احزاب جناح راست افراطی، کاهش قدرت هنجاری اتحادیه اروپا در زمینه مؤلفه‌های دموکراتیک و حقوق بشر، تهدید مفهوم اروپای بدون مرز، تأثیر منفی در اقتصاد کشورهای عضو این اتحادیه، بحران هویتی و فرهنگی و تهدیدات امنیتی همچون رشد افراط‌گرایی، تروریسم، و رشد جنبش‌های نژادپرستانه اشاره کرد (صباغیان و کرمی، ۱۳۹۷: ۲۸۱-۲۸۵).

ممنوعیت سفر مهاجران سوری به آمریکا

در خصوص مهاجرت آوارگان سوری به آمریکا، هرچند این مهاجرت بسیار ناچیز بوده است، ترامپ با استفاده تبلیغاتی از ناامنی موجود در سوریه دستور ممنوعیت سفر سوری‌ها به آمریکا را صادر کرده است. ترامپ، پس از به قدرت رسیدن و در راستای وعده‌های انتخاباتی خود، دستور اجرایی را تحت عنوان «حفاظت از آمریکا در برابر حملات تروریستی» صادر کرد که بر اساس آن ورود شهروندان هفت کشور مسلمان، که شامل شهروندان سوری نیز می‌شود، به آمریکا ممنوع می‌شود.

جابه‌جایی و مهاجرت کردها به غرب فرات

مهاجرت و جابه‌جایی‌های داخلی در سوریه پس از بحران این کشور نیز در رفتار قدرت‌های فرامنطقه‌ای حاضر در بحران سوریه مؤثر بوده است که از جمله این مهاجرت‌های داخلی می‌توان به جابه‌جایی کردها به غرب فرات با حمایت آمریکا و اروپا اشاره کرد که مورد مخالفت شدید ترکیه قرار گرفته است. احساس تهدید دولت ترکیه پس از تشکیل جبهه دموکراتیک سوریه توسط ائتلاف عزم ذاتی شدت مضاعفی به خود گرفت که نقطه عطف آن سازمان‌دهی شبه‌نظامیان عرب مخالف دولت در غرب فرات برای مقابله با تشکیل یک کبان کردی در شمال سوریه بود (آزاد و ابراهیمی‌فر، ۱۳۹۷: ۵۰).

۱. به کشورهای شرق مدیترانه که شامل سوریه، اردن، فلسطین، و لبنان می‌شود منطقه لوانت گویند.

مهاجران فلسطینی ساکن سوریه

با توجه به سکونت نزدیک به ششصد هزار آواره فلسطینی در سوریه و اهمیت مهاجران فلسطینی در مذاکرات صلح مورد حمایت غرب، این وضعیت موجب اهمیت آوارگان فلسطینی در بحران سوریه برای قدرت‌های فرامنطقه‌ای، خصوصاً امریکا و اتحادیه اروپا، شده است.

د) مؤلفه‌های مرزی و سرزمینی

حمایت امریکا از اسرائیل در اختلاف بر سر جولان

دونالد ترامپ از همان آغاز دوره ریاست جمهوری از تصمیم خود برای به رسمیت شناختن حاکمیت اسرائیل بر بلندی‌های جولان صحبت کرده بود که در نهایت در روز ۲۵ مارس ۲۰۱۹ با امضای فرمانی آن را اجرایی کرد. این تصمیم امریکا به واکنش و مخالفت شدید کشورهای جهان خصوصاً قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای حاضر در بحران سوریه حتی اروپا به‌عنوان متحد راهبردی امریکا نیز منجر شده است.

طرح امریکا در خصوص تجزیه سوریه

دیگر مسئله سرزمینی سوریه که در رفتار قدرت‌های فرامنطقه‌ای سوریه مؤثر است بحث تجزیه سوریه یا حفظ یکپارچگی آن است. در حالی که امریکا موافق تجزیه سوریه بوده، روسیه به شدت با آن مخالف است و در همه راهکارهای حل بحران سوریه بر حفظ یکپارچگی سرزمینی سوریه تأکید کرده است. در مقابل، تقسیم و تجزیه کشورهای خاورمیانه همواره در طرح‌های امریکایی وجود داشته است. تفکر تجزیه و تقسیم سوریه از این حیث مهم است که، ضمن انحلال محور مقاومت، بزرگ‌ترین کشور تهدیدکننده اسرائیل، مهم‌ترین کشور تهدیدکننده منافع خاورمیانه‌ای امریکا، و بزرگ‌ترین رقیب عربستان سعودی در منطقه یعنی ایران را تا حدود زیادی منزوی خواهد کرد (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۶: ۲۴).

و) مؤلفه‌های قومیتی

حمایت روسیه از اعراب علوی در مقابل حمایت امریکا و اروپا از اعراب سنی میانه‌رو

روسیه سعی دارد بر منطقه علوی‌نشین که شامل طرطوس، لاذقیه، دمشق، و سواحل سوریه در کنار دریای مدیترانه است نفوذ داشته باشد (احمدی ارکمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۲۰) و در این راستا از علویان حمایت می‌کند. در کنار این عامل سابقه تاریخی همکاری علویان حکومت بعثی سوریه با روسیه و ماهیت علوی حکومت سوریه، به‌عنوان حکومت مورد قبول سازمان ملل، عواملی مضاعف برای حمایت روس‌ها از علویان در این بحران بوده‌اند. در مقابل، امریکا و اتحادیه اروپا با حمایت از اعراب سنی میانه‌رو می‌کوشند تا در صورت پایان بحران و شکل‌گیری یک حکومت دموکراتیک در این کشور، با توجه به جمعیت زیاد این قومیت در سوریه، قدرت در اختیار قومیت مورد حمایت آن‌ها قرار بگیرد.

حمایت امریکا و اروپا از کردها

در خصوص مواضع امریکا، اتحادیه اروپا، و روسیه در قبال کردها نیز باید بیان کرد که به‌طور کلی مواضع امریکا در قبال تحولات کردهای سوریه این است که امریکا در قالب استراتژی امنیت ملی‌اش از روند دموکراتیک‌شدن سوریه و احقاق حقوق کردها حمایت می‌کند، اما به دنبال مدیریت آرام و تدریجی مسئله است. در مورد مواضع اروپا درباره مسئله کردهای سوریه نیز باید گفت که سیاست خارجی و متغیرهای اتحادیه اروپا درباره شکل‌گیری اقلیم کردستان سوریه به گونه‌ای است که تصور می‌شود اتحادیه اروپا با آن مخالف نباشد، زیرا تأکید نخست اروپایی‌ها بر مسائل حقوق بشر و

حقوق قومی است و دوم اینکه جمعیت زیادی از کردها در اروپا زندگی می‌کنند و تشکیل دولت کردستان بزرگ می‌تواند زمینه بازگشت این مهاجران به خاورمیانه را فراهم کند (باقری دولت‌آبادی و رحیمی دهگلان، ۱۳۹۴: ۱۴۵-۱۴۶).

عوامل ایدئولوژیکی

الف) مؤلفه‌های مذهبی

تلاش روسیه برای جلوگیری از گسترش اسلام افراطی به مناطق مسلمان‌نشین و خارج نزدیک روسیه پس از بحران سوریه و قدرت‌یابی گروه‌های بنیادگرای مذهبی در آن و حضور اتباع زیادی از جمهوری‌های خودمختار روسیه و کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی در این گروه‌ها، روسیه این وضعیت را تهدید مستقیم امنیتی نسبت به خود تلقی کرد. بنابراین، روس‌ها با حداکثر توان نظامی در بحران سوریه به نابودی گروه‌های بنیادگرای پرداخته‌اند تا از بازگشت آنان جلوگیری کنند.

افزایش اسلام‌هراسی در آمریکا و اروپا

اتحادیه اروپا و آمریکا رویکرد دوگانه‌ای به گسترش بنیادگرایی مذهبی در بحران سوریه داشته‌اند: از یک سو، این کشورها از اقدامات گروه‌های بنیادگرای مذهبی در سوریه در راستای اسلام‌هراسی حداکثر استفاده را برده‌اند. در اروپا، احزاب راست افراطی در پی القای این تفکرند که دولت‌های اسلامی، با انتقال و تشویق اتباعشان برای مهاجرت به اروپا، سعی در اشغال نرم این منطقه دارند و در دهه‌های آینده مسلمانان اروپا را تصرف می‌کنند (دهشیری و قاسمی، ۱۳۹۶: ۲۹۶).

گسترش ناامنی و فعالیت‌های تروریستی بنیادگرایان مذهبی از طریق سوریه به اروپا

از سوی دیگر، گسترش گروه‌های بنیادگرای مذهبی در سوریه و حضور تعداد زیادی از اتباع کشورهای اروپایی و آمریکا در این گروه‌ها موجب گسترش ناامنی و حملات تروریستی به این کشورها خصوصاً در کشورهای اتحادیه اروپا شده است.

حضور تعداد زیادی از اتباع روسیه، آمریکا، و اتحادیه اروپا در گروه‌های بنیادگرای مذهبی سوریه

با شروع بحران سوریه بسیاری از بنیادگرایان مذهبی و اتباع کشورهای مختلف از جمله روسیه، آمریکا، و اتحادیه اروپا به گروه‌های بنیادگرای مذهبی، خصوصاً داعش، در سوریه پیوستند که تا سال ۲۰۱۴ تعداد این جنگجویان خارجی به شرح جدول ۲ است.

جدول ۲. بنیادگران مذهبی خارجی حاضر در بحران سوریه (استاتیسنا، ۲۰۱۴)

کشور	جمعیت مسلمان	بنیادگران مذهبی در بحران سوریه
روسیه	۱۶,۳۷۹,۰۰۰	+ ۸۰۰
فرانسه	۴,۷۰۴,۰۰۰	+ ۷۰۰
بریتانیا	۲,۸۶۹,۰۰۰	+ ۵۰۰
آلمان	۴,۱۱۹,۰۰۰	+ ۳۰۰
استرالیا	۳۹۹,۰۰۰	+ ۲۵۰
بلژیک	۶۳۸,۰۰۰	+ ۲۵۰
هلند	۹۱۴,۰۰۰	+ ۱۲۰
امریکا	۲,۵۹۵,۰۰۰	+ ۱۰۰
دانمارک	۲۲۶,۰۰۰	۱۰۰
نروژ	۱۴۴,۰۰۰	۵۰
ایسلند	۴۳,۰۰۰	۳۰
سوئد	۴۵۱,۰۰۰	۳۰

تلاش آمریکا، اروپا، و روسیه برای جلوگیری از بازگشت بنیادگرایان مذهبی به کشورهایشان با شکست داعش و بسیاری از گروه‌های بنیادگرای مذهبی در سوریه، بسیاری از جنگجویان خارجی عضو این گروه‌ها از کشورهای روسیه، آمریکا، و اتحادیه اروپا در سوریه باقی مانده‌اند. به گزارش رئیس کمیسیون تحقیقات سازمان ملل درباره سوریه، ۱۱ هزار خارجی در سوریه حضور دارند که به خاطر ارتباطشان با داعش کشورشان آن‌ها را نمی‌پذیرد. علاوه بر این، برخی از کشورها دست به اقدامات بیشتری زده و تابعیت این اشخاص را سلب می‌کنند تا آن‌ها نتوانند به کشورشان بازگردند یا با انتقال این افراد به کشورهایی موافقت می‌کنند که ممکن است در آنجا با شکنجه یا بدرفتاری یا اعدام روبه‌رو شوند. همچنین، اردوگاه‌های شمال شرق سوریه ۱۲ هزار خارجی را در خود جای داده‌اند که ۴۰۰۰ تن از آن‌ها زن و ۸۰۰۰ تن دیگر کودکان خانواده‌های وابسته به داعشی‌های خارجی‌اند که در بخش‌های ویژه اسکان داده شده‌اند و تحت نظارت امنیتی شدید قرار دارند (کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، ۲ جولای ۲۰۱۹).

ب) مؤلفه‌های گفتمانی

پیشینه فکری حمایت روسیه از حزب بعث سوریه

روابط نزدیک روسیه و سوریه در دوران معاصر، به‌جز دوره کوتاهی پس از فروپاشی شوروی سابق و حاکمیت غرب‌گراها بر روسیه، ناشی از اشتراکات فراوان در گفتمان سیاسی حزب بعث سوریه با احزاب کمونیست در زمان شوروی سابق و احزاب حاکم در دوران فعلی در روسیه است. در این راستا می‌توان بیان کرد که پُر قدرت‌ترین حزب کمونیست در جهان عرب در سال ۱۹۲۵ در سوریه تشکیل شده و از آن تاریخ روابط سوریه و شوروی سابق بسیار دوستانه و نزدیک بوده است (آدمی و آخرالدین، ۱۳۹۲: ۵۲) و این روابط تا زمان حال مستحکم باقی مانده است.

نظام سیاسی لیبرال - دموکرات مورد حمایت آمریکا و اروپا

تضاد گفتمان سیاسی میان حزب بعث حاکم در سوریه با احزاب حاکم در آمریکا و اتحادیه اروپا همواره عامل روابط سرد میان سوریه با این قدرت‌ها بوده است که این روابط سرد ناشی از تضاد هنجارهای مبتنی بر گفتمان لیبرال - دموکراسی غربی با گفتمان سوسیال - ناسیونالیست عربی حزب بعث سوریه بوده است.

عوامل ژئواکونومیکی

الف) مؤلفه‌های انرژی

هرچند سوریه، همچون کشورهای حاشیه خلیج فارس، دارای منابع غنی نفت و گاز نیست، از جمله دلایل حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در بحران این کشور بحث انرژی است. از یک سو، کنترل منابع نفتی سوریه، که هم‌اکنون در اختیار آمریکایی‌ها بوده و آن‌ها اعلام نموده‌اند که درآمد فروش نفت سوریه را صرف نیروهای کرد متحد آمریکا در این کشور خواهند نمود. از سوی دیگر، با توجه به اهمیت موقعیت جغرافیایی سوریه، به‌عنوان مسیری جهت انتقال انرژی منطقه به اروپا، پیروزی در بحران سوریه برای هر یک از این قدرت‌های فرامنطقه‌ای به نحوی امکان کنترل منابع انرژی منطقه را فراهم می‌آورد.

ب) مؤلفه‌های اقتصادی

اگرچه در حال حاضر منافع اقتصادی اولویت اصلی طرف‌های درگیر در بحران سوریه نیست، پس از پایان بحران و شروع فرایند بازسازی سوریه، منافع اقتصادی از جمله اولویت‌های اصلی طرف‌های حاضر در بحران سوریه از جمله قدرت‌های فرامنطقه‌ای خواهد بود. هر یک از این قدرت‌ها قبل از شروع بحران منافع اقتصادی و روابط تجاری با سوریه داشته‌اند که

پس از بحران خواهان برقراری مجدد روابط تجاری با سوریه و احیای منافع اقتصادی خویش خواهند شد که این امر برای قدرت‌های جهانی دخیل در بحران سوریه، خصوصاً روسیه، بسیار حائز اهمیت است. همچنین، بحران سوریه به رونق بازار فروش تسلیحات نظامی به کشورهای منطقه توسط قدرت‌های فرامنطقه‌ای، خصوصاً آمریکا، منجر شده است.

نتیجه‌گیری

ابعاد و مؤلفه‌های جغرافیایی بیان‌شده در الگوی پژوهش فرصت‌های جغرافیایی هستند که مطلوب روسیه، آمریکا، و اتحادیه اروپا به‌عنوان قدرت‌های فرامنطقه‌ای حاضر در بحران ژئوپلیتیکی سوریه‌اند، زیرا تأمین‌کننده منافع این قدرت‌ها در این بحران‌اند. همچنین، ابعاد و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر در الگوی پژوهش حاصل روابط متقابل عوامل و ارزش‌های جغرافیایی، عامل سیاست و قدرت است که به منافع ژئوپلیتیکی قدرت‌های فرامنطقه‌ای حاضر در بحران سوریه مرتبط‌اند. این ابعاد و مؤلفه‌های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی - علاوه بر تأثیر مستقیم بر الگوی روابط روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا در بحران سوریه - با یکدیگر نیز دارای ارتباط‌اند و بر هم تأثیرگذارند و شناخت آن‌ها در قالب یک مدل ساختاری و با در نظر گرفتن اهمیت و ارتباط آن‌ها با یکدیگر ممکن است. البته، باید توجه کرد که در طول مدت زمان ممکن است میزان اهمیت ابعاد جغرافیایی و ژئوپلیتیکی در الگوی روابط قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بحران ژئوپلیتیکی سوریه کم یا زیاد شود و ترتیب آن عوامل تغییر نماید.

مهم‌ترین متغیر در الگوی روابط قدرت‌های فرامنطقه‌ای در بحران سوریه شرایط نظام ژئوپلیتیک جهانی است که نشان از اهمیت عوامل ژئوپلیتیکی نسبت به عوامل جغرافیایی برای قدرت‌های جهانی در بحران سوریه است. میزان اهمیت عوامل ژئواستراتژیکی، با توجه به موقعیت نظامی کشور سوریه، در الگوی روابط قدرت‌های فرامنطقه‌ای در بحران سوریه، به‌عنوان دومین متغیر حائز اهمیت است. سومین متغیر مهم در روابط ژئوپلیتیکی این قدرت‌ها در بحران سوریه کدهای ژئوپلیتیکی است که ناشی از شرایط داخلی این قدرت‌ها و دستور کار سیاست خارجی روسیه، آمریکا، و اتحادیه اروپا در قبال بحران سوریه است. متغیر چهارم شرایط نظام ژئوپلیتیکی منطقه‌ای است که الگوی روابط ژئوپلیتیکی ایران با ترکیه، عربستان، و اسرائیل به‌عنوان قدرت‌های منطقه‌ای حاضر در بحران سوریه به‌صورت مستقیم بر الگوی روابط قدرت‌های فرامنطقه‌ای حاضر در این بحران تأثیرگذار است. اهمیت عوامل جغرافیایی به‌عنوان متغیر پنجم در الگوی روابط قدرت‌های فرامنطقه‌ای در بحران سوریه نسبت به عوامل ژئوپلیتیکی در اولویت پایین‌تری قرار دارد. متغیر ششم عوامل ایدئولوژیکی با مؤلفه‌های گفتمانی و مذهبی است که به‌صورت نرم بر الگوی روابط قدرت‌های فرامنطقه‌ای سوریه تأثیرگذار است. همچنین، باید به عوامل ژئواکونومیکی به‌عنوان آخرین متغیر مؤثر در روابط قدرت‌های فرامنطقه‌ای در بحران سوریه اشاره کرد که نشان از آن دارد که در حال حاضر این عوامل اولویت کمتری در اهداف قدرت‌های فرامنطقه‌ای بازیگر در بحران سوریه دارد. اما در طی زمان و دوران پس‌ابحران قطعاً دارای اهمیت بیشتری در رفتار این قدرت‌ها در سوریه خواهد شد.

ابعاد و مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی مؤثر در بازیگری روسیه، آمریکا، و اتحادیه اروپا در بحران سوریه نشان‌دهنده آن است که بحران سوریه، علاوه بر آنکه یک بحران داخلی میان حکومت اسد و مخالفان داخلی آن است، به یک بحران ژئوپلیتیکی و عرصه روابط قدرت میان قدرت‌های خارجی نیز تبدیل شده که در سطح قدرت‌های فرامنطقه‌ای تحت تأثیر روابط روسیه با آمریکا و اتحادیه اروپا قرار دارد. همچنین، با توجه به اهمیت این ابعاد و مؤلفه‌های جغرافیایی برای این قدرت‌ها، آن‌ها به‌جای حل قطعی بحران به دنبال مدیریت آن‌اند تا حداکثر بهره‌برداری از بحران سوریه را در راستای

اهداف و منافع ژئوپلیتیکی داشته باشند. به همین سبب، این بحران به یکی از طولانی‌ترین بحران‌های ژئوپلیتیکی دوران معاصر در نظام ژئوپلیتیک جهانی تبدیل شده و تلاش‌های سیاسی و دیپلماتیک برای حل آن بی‌نتیجه مانده است.

سپاسگزاری

نگارنده بر خود لازم می‌داند از دکتر سیدعباس احمدی، عضو هیئت‌علمی دانشکده جغرافیای دانشگاه تهران، به سبب راهنمایی ارزشمند ایشان در نگارش این مقاله، سپاسگزاری نماید.

منابع

۱. آزاد، امیرحامد و ابراهیمی‌فر، طاهره، ۱۳۹۷، شبه‌نظامیان شمال سوریه و آینده نظام سیاسی دمشق، فصل‌نامه سیاست جهانی، دوره ۷، ش ۱، صص ۴۹-۸۶.
۲. آدمی، علی و آخرالدین، مهری، ۱۳۹۲، سیاست خارجی روسیه در قبال بحران سوریه: ریشه‌ها، اهداف، و پیامدها، فصل‌نامه تخصصی علوم سیاسی، س ۹، ش ۲۲، صص ۴۷-۷۰.
۳. ابوالحسن شیرزای، حبیب‌الله و پارسه، رضا، ۱۳۹۳، ائتلاف سه‌گانه ایران، سوریه، و حزب‌الله و تأثیر آن بر منافع امریکا در خاورمیانه، فصل‌نامه سیاست جهانی، دوره ۳، ش ۱، صص ۷۳-۱۱۳.
۴. احمدی ارکمی، ابوطالب؛ حیدری، غلام‌حسین و فرجی راد، عبدالرضا، ۱۳۹۷، تبیین جایگاه علویان سوریه در سناریوهای پس از بحران، فصل‌نامه سیاست جهانی، دوره ۷، ش ۲، صص ۲۰۳-۲۳۱.
۵. باقری دولت‌آبادی، علی و رحیمی دهگلان، سیروان، ۱۳۹۴، بحران سوریه: بررسی انگیزه‌ها، مواضع، و آینده کردها، فصل‌نامه سیاست خارجی، س ۲۹، ش ۱، صص ۱۲۳-۱۵۰.
۶. برچر، مایکل، ۱۳۸۲، *بحران در سیاست جهان: ظهور و سقوط بحران‌ها*، ج ۱، ترجمه میرفریدین قریشی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۷. حافظ‌نیا، محمدرضا، ۱۳۹۳، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، ج ۴، تهران: پژوهشکده امیرکبیر؛ مشهد: انتشارات پاپلی.
۸. حیدری موصول، طهمورث، ۱۳۹۶، *الگوی رقابت قدرتهای منطقه‌ای در مناطق ژئوپلیتیکی (مطالعه موردی: جنوب غرب آسیا)*، رساله دکتری جغرافیای سیاسی، تهران: دانشگاه تهران.
۹. خانبلوکی، فرید، ۱۳۹۱، اهداف امریکا در بحران سوریه، پیام انقلاب، ش ۶۸، صص ۵۰-۵۲.
۱۰. دانایی‌فرد، حسن و امامی، مجتبی، ۱۳۸۶، استراتژی پژوهش کیفی: تأملی بر نظریه داده بنیاد، فصل‌نامه اندیشه مدیریت، س ۱، ش ۲، صص ۶۹-۹۷.
۱۱. دانایی‌فرد، حسن و امامی، مجتبی، ۱۳۹۲، *استراتژی نظریه داده‌بنیاد در مطالعات سازمان و مدیریت (فصل چهارم از کتاب روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع)*، ج ۲، تهران: صفار.
۱۲. دهشیری، محمدرضا و قاسمی، روح‌الله، ۱۳۹۶، *خیزش راست افراطی و تأثیر آن بر آینده مسلمانان در اروپا*، تهران: وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. زرقانی، سیدهادی و احمدی، ابراهیم، ۱۳۹۶، شیعه‌هراسی به مثابه قلمروسازی گفتمانی محور «غربی- غربی»، در بحران‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه (مطالعه موردی: بحران سوریه)، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، س ۱۳، ش ۱، صص ۱-۳۰.
۱۴. ساجدی، امیر، ۱۳۹۶، سیاست خاورمیانه‌ای ترامپ؛ مطالعه موردی بحران سوریه و حمله موشکی امریکا، فصل‌نامه مطالعات روابط بین‌الملل، س ۱۰، ش ۴۰، صص ۶۹-۹۲.
۱۵. سیمبر، رضا و همکاران، ۱۳۹۵، راهبرد روسیه در بحران سوریه (۲۰۱۱-۲۰۱۴)، فصل‌نامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۹، ش ۲، صص ۳۰۹-۳۲۴.
۱۶. صباغیان، علی و کرمی، علی، ۱۳۹۷، بحران مهاجرت و همگرایی اروپا، فصل‌نامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، س ۸، ش ۳، صص ۲۶۹-۲۸۷.

۱۷. عطار، سعید و سعیدی راد، آرش، ۱۳۹۷، آینده سوریه و فرصت‌ها و چالش‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، ش ۲۸، صص ۱۴۷-۱۶۵.
۱۸. کرمی، جهانگیر و فاضلی، سامان، ۱۳۹۷، ژئوپلیتیک دریایی و سیاست خارجی روسیه در بحران‌های اوکراین و سوریه، فصل‌نامه مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۱، صص ۱۹۷-۲۱۴.
۱۹. کولایی، الهه و سلطانی‌نژاد، محمد، ۱۳۹۵، علل و انگیزه‌های عملیات نظامی روسیه در سوریه، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، س ۱۹، ش ۳، صص ۱۱۵-۱۳۵.
۲۰. کولایی، الهه و عابدی، عقیقه، ۱۳۹۷، مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی سیاست خارجی روسیه، فصل‌نامه ژئوپلیتیک، س ۱۴، ش ۱، صص ۱-۲۵.
۲۱. کوهن، ساتول برنارد، ۱۳۸۷، ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه عباس کاردان، تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۲۲. لیک، دیوید و مورگان، پاتریک، ۱۳۸۱، *نظم‌های منطقه‌ای امنیت‌سازی در جهانی نوین*، ترجمه سیدجلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۳. مجیدی، محمدرضا و حاتم‌زاده، عزیزالله، ۱۳۹۵، قدرت‌یابی گروه‌های راست افراطی در اروپا: علل و پیامدها، فصل‌نامه سیاست، دوره ۴۶، ش ۲، صص ۴۴۱-۴۵۵.
۲۴. نیاکویی، سیدامیر و بهمنش، حسین، ۱۳۹۱، بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها، فصل‌نامه روابط خارجی، ش ۴، صص ۹۷-۱۳۵.
۲۵. نیاکویی، سیدامیر و ستوده، علی‌اصغر، ۱۳۹۵، الگوی تقابل بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در منازعات داخلی سوریه و عراق، فصل‌نامه راهبرد، س ۲۵، ش ۸۰، صص ۱۱۷-۱۵۱.
۲۶. واعظی، محمود، ۱۳۸۹، نظام نوین بین‌الملل و مدیریت بحران‌های بین‌المللی، فصل‌نامه راهبرد، س ۱۹، ش ۵۶، صص ۷-۴۲.
۲۷. هدایتی شهیدانی، مهدی و ولادیمیروویچ پینکفتسف، رمان، ۱۳۹۴، الگوهای رفتاری روسیه و آمریکا در مدیریت بحران‌های منطقه‌ای؛ مطالعه موردی بحران سوریه، فصل‌نامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، س ۳، ش ۱۲، شماره پیاپی ۴۲، صص ۶۱-۸۵.
28. Abolhassan Shirzai, Habibollah and Parseh, Reza, 2014, The Triple Alliance of Iran, Syria and Hezbollah and its Impact on US Interests in the Middle East, *World Politics Quarterly*, Vol. 3, No. 1, pp. 73-173.
29. Adami, Ali and Akhruddin, Mehri, 2013, Russia's Foreign Policy Towards the Syrian Crisis: Roots, Objectives and Consequences, *Quarterly Journal of Political Science*, Year 9, No. 22, pp. 47-70.
30. Ahmadi Arkami, Aboutaleb; Heidari, Gholam Hossein and Faraji Rad, Abdolreza, 2018, Explaining the position of the Syrian Alawites in post-crisis scenarios, *World Politics Quarterly*, Vol 7, No 2, pp. 203-231.
31. Attar, Saeed and Saeedi Rad, Arash, 2018, The Future of Syria and Its Opportunities and Challenges for the Islamic Republic of Iran, *Quarterly Journal of Strategic Studies in Public Policy*, Vol 8, No 28, pp. 147-165.
32. Azad, Amir Hamed and Ebrahimifar, Tahereh, 2018, Militants in Northern Syria and the Future of Damascus Political System, *World Politics Quarterly*, Vol 7, No 1, pp. 49-86.
33. Bagheri Dolatabadi, Ali and Rahimi Dehgolan, Sirvan, 2015, The Syrian Crisis: A Study of the Motives, Positions and Futures of the Kurds, *Foreign Policy Quarterly*, Vol. 29, No. 1, pp. 123-150.
34. Brecher, Michael, 1993, *Crisis in World Politics, Theory and Reality*. Pergamon Press: London.
35. Brecher, Michael, 2003, *Crisis In World Politics: Theory and Reality*. Translated by Mirfardin Querashi. Tehran: Research Institute of Strategic Studies.
36. Cohen, Saul Bernard, 2008, *Geopolitics of the World System*. Translated by Abbas Kardan. Tehran: Publications of Abrar International Institute for Contemporary Studies and Research.
37. Danaeifard, Hassan and Emami, Mojtaba, 2007, Qualitative research strategy: a reflection on data grounded theory, *Management Thought Quarterly*, Vol. 1, No. 2, pp. 69-97.
38. Danaeifard, Hassan and Emami, Mojtaba, 2013, *Strategy of Grounded Theory in Organization and Management Studies (Chapter 4 of the book Qualitative Research Methodology in Management: A Comprehensive Approach)*, second publication, Tehran: Saffar Publications.

39. Dehshiri, Mohammad Reza and Ghasemi, Ruhollah, 2017, *The Rise of the extreme right and Its Impact on the Future of Muslims in Europe*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Iran.
40. Glaser, B. G., 1992, *Basics of grounded theory: emergence vs. forcing*. Mill Valley, CA: Sociology Press.
41. Glaser, B. G., 2003, *The grounded theory perspective II: Description's remodeling of grounded theory methodology*. Mill Valley, CA: Sociology Press.
42. Glaser, B. G. and Strauss, A. L., 1967, *The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research*. Hawthorne, NY: Aldine de Gruyter
43. Hafeznia, Mohammad Reza, 2014, *Principles and Concepts of Geopolitics*. fourth publication, Mashhad: Papoli publications.
44. Hedayati Shahidani, Mehdi and Vladimirovich Pinkftsov, Roman, 2015, Russian-American Behavioral Patterns in Managing Regional Crises; A Case Study of the Syrian Crisis, *Quarterly Journal of Strategic Policy Research*, Vol. 3, No. 12, (Issue 42), pp. 61-85.
45. Heidari Mosloo, Tahmourth, 2017, *The Model of Competition of Regional Powers in Geopolitical Regions (Case Study: Southwest Asia)*, PhD Thesis in Political Geography, University of Tehran, Tehran.
46. Karami, Jahangir and Fazeli, Saman, 2016, Russia's Maritime Geopolitics and Foreign Policy in the Ukraine and Syria Crisis, *Central Eurasian Studies Quarterly*, Vol. 11, pp. 197-214.
47. Kay Wong, Ken Kwong, 2013, Partial least square structural equation modeling (PLS-SEM) techniques using SmartPLS, *Marketing Bulletin*, Vol. 24, pp. 1- 32.
48. Khanbloki, Farid, 2012, US goals in the Syrian crisis, *The message of the revolution*, No. 68, pp. 52-50.
49. Kolaei, Elahe and Abedi, Afifa, 1397, Geopolitical Components of Russian Foreign Policy, *Geopolitical Quarterly*, Vol. 14, No. 1, pp. 1-25.
50. Kolaei, Elahe and Soltaninejad, Mohammad, 2016, Causes and Motives of Russian Military Operations in Syria, *Strategic Studies Quarterly*, Year 19, Issue 3, No. 73, pp. 115-135.
51. Lake, David and Morgan, Patrick, 2002, *Regional Orders: Building Security in a New World*, translated by Seyed Jalal Dehghani Firoozabadi, Tehran: Institute for Strategic Studies Publications.
52. Lucify, 2018, The flow towards Europe: Europe is experiencing the biggest refugee crisis since World War II. Based on data from the United Nations. 12 Nov 2018. Available from: <https://www.lucify.com/the-flow-towards-europe/>
53. Majidi, Mohammad Reza and Hatamzadeh, Azizullah, 2016, The rise of extreme right groups in Europe: causes and consequences, *Quarterly Journal of Politics*, Vol. 46, No. 2, pp. 441-455.
54. Niakooi, Seyed Amir and Behmanesh, Hossein, 2012, Opposition Actors in the Syrian Crisis: Goals and Approaches, *Foreign Relations Quarterly*, No. 4, pp. 97-135.
55. Niakooi, Seyed Amir and Sotoudeh, Ali Asghar, 2016, Pattern of confrontation between regional and trans-regional actors in the internal conflicts in Syria and Iraq, *Strategy Quarterly*, Twenty-fifth year, No. 80, pp. 117-151.
56. Sabbaghian, Ali and Karami, Ali, 2018, The Crisis of Migration and European Convergence, *Quarterly Journal of Geography (Regional Planning)*, Year 8, Issue 3, pp. 269-287.
57. Sajedi, Amir, 2017, Trump's Middle East Policy; A Case Study of the Syrian Crisis and the US Missile Strike, *Quarterly Journal of International Relations Studies*, Year 10, Issue 40, pp. 69-92.
58. Simber, Reza et al., 2016, Russia's Strategy in the Syrian Crisis (2014-2011), *Quarterly Journal of Central Eurasian Studies*, Vol 9, No 2, pp. 309-324.
59. Statista, 2014, "Where Syria's Foreign Fighters Come From". 3 Sep 2014. Available from: <https://www.statista.com/chart/2658/where-syrias-foreign-fighters-come-from/>
60. Strauss, Anselm L. and Corbin, Juliet, 1990, *Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Techniques*. Newbury Park: SAGE Publications.
61. UNHCR, 2019, Statement by Mr. Paulo Sérgio Pinheiro, Chair of the Independent International Commission of Inquiry on the Syrian Arab Republic at the 41st Session of the UN Human Rights Council. Geneva. 2 July 2019. Available from: <https://www.ohchr.org>.

62. Vaezi, Mahmoud, 2010, The New International System and International Crisis Management, *Strategy Quarterly*, Year 19, No. 56, pp. 7-42.
63. Zarghani, Seyed Hadi and Ahmadi, Ebrahim, 2017, Shia phobia As a Western-Arab discourse-oriented realm in geopolitical crises in the Middle East (Case study: The Syrian crisis), *Geopolitical Quarterly*, Year 13, Issue 1, pp. 1-30.